

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۵

جمعه ۱۹ خرداد ۱۳۹۶، ۹ ژوئن ۲۰۱۷

مردم هشیار باشید!

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

افغانستان کابوس ناتمام

گفتگو با سیامک بهاری

صفحه ۳

طرح کارورزی اشتغال جوانان،

طرح بردگی نیروی بیکار جوانان

شهلا دانشفر

صفحه ۵

دو یادداشت

از آرش دشتی

صفحه ۹

چند اطلاعیه از حزب کمونیست کارگری ایران

کارگران فولاد اهواز دست به تجمع

اعتراضی زدند صفحه ۱۰

کارگران کارخانه آذراب اراک بار دیگر

دست به تجمع زدند صفحه ۸

کارگران هفت تپه همراه با خانواده ها

دست به تحصن زدند صفحه ۴

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار

اخراج گردد! صفحه ۷

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد عملیات تروریستی در تهران

گرفت. واقعیت هرچه باشد برای همه مردم ایران و جهان روشن است که این عملیات توسط یک جریان اسلامی صورت گرفته و بخشی از کشمکش خونین بین شاخه های مختلف تروریسم اسلامی در منطقه است. جمهوری اسلامی یک پای مهم کشت و کشتار و ناامنی در منطقه است. جمهوری اسلامی مشغول تقویت مالی و نظامی نیروی جنایتکار طالبان در افغانستان و گروه اسلامی حوثی در یمن، و تقویت جریان جنایتکار اسلامی جیش الشعبی در عراق و فشار اسد در سوریه است، و یک پای شکل دادن به جهنم علیه مردم این

صفحه ۶

میکند. اعمال تروریستی از جانب هر جریانی باشد دودش به چشم مردم میرود و به زیان مبارزات کارگران و مردم که هر روز ابعاد گسترده تری میگیرد تمام میشود. جمهوری اسلامی تلاش میکند از این مساله بعنوان یک برکت برای ایجاد فضای ترور و ارباب در جامعه استفاده کند و در منطقه نیز اقدامات تروریستی و نظامی اش را گسترش بدهد. مردم ایران اما حکومت اسلامی و سیاست هایش را میشناسند و در مقابل آن خواهند ایستاد.

گرچه داعش مسئولیت این عملیات تروریستی را بعهدہ گرفته است اما هنوز میتوان احتمالات و سناریوهای دیگری را هم در نظر

صبح امروز بر اساس اخباری که جمهوری اسلامی منتشر کرده است، همزمان دو حمله مسلحانه کاملاً سازمان یافته به مجلس شورای اسلامی و محل دفن خمینی صورت گرفت. رسانه های جمهوری اسلامی تا این لحظه از ۱۲ کشته و ۴۲ مجروح در این دو اقدام تروریستی گزارش داده اند. اعلام شده که هر چهار فرد تروریستی که به مجلس حمله کرده اند و همینطور دو فردی که در محل دفن خمینی اقدام به تیراندازی کرده اند به قتل رسیده اند. داعش مسئولیت این دو عملیات را به عهده گرفته است. حزب کمونیست کارگری این اقدامات تروریستی را محکوم

اطلاعیه حزب درمورد

اقدام جنایتکارانه تروریسم اسلامی در لندن

این ترور در ادامه دیگر جنایات جنبش اسلامی است. در موصول جنایتکاران داعشی مانع از فرار غیر نظامیان از میدان جنگ شده و از مردم بی دفاع بعنوان سپر دفاعی استفاده میکنند. در منچستر و افغانستان و بغداد نیز همین جنبش ضد بشری هر روز

صفحه ۲

۵۰ نفر مجروح شدند که گفته میشود وضعیت تعدادی از آنها وخیم است. هر سه تروریست توسط پلیس کشته شدند. دست زدن به چنین جنایتی نشاندهنده قدرت تروریست های اسلامی نیست. نمایشی از ضعف و زبونی است. هر روانپزش و هر تهی مغزی می تواند با استفاده از یک خودرو یا یک چاقو جان تعدادی را بگیرد.

تروریستهای اسلامی بار دیگر در شهر لندن در انگلستان دست به جنایت فجیعی زدند. شب گذشته سوم ژوئن (۱۳ خرداد) سه تروریست اسلامی با یک خودرو به مردم بی دفاع در پیاده روی «لندن بریج» هجوم بردند و متعاقباً با چاقو به جان مردم افتادند. هفت انسان بی دفاع در این جنایت جانشان را از دست دادند و حدود



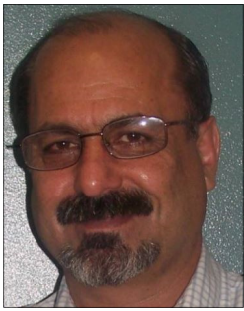
کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

مردم هشیار باشید!

میتوانید و نباید بگذارید ترور اسلامی در تهران بهانه ای بدست حکومت اسلامی تروریست بدهد!



محسن ابراهیمی

این مهم نیست که ترور امروز در تهران يك توطئه از درون حکومت اسلامی بود یا کار داعش. مهم این است که برای جمهوری اسلامی این کشتار اسلامی يك مانده آسمانی است!

میتوان تصور کرد که جانپان اسلامی حاکم در ایران خوشحال هستند که میتوانند بیشتر مظلوم نمایی کنند که بله "ما خودمان قربانی تروریسم" هستیم تا اعمال تروریستیشان در سوریه و عراق و سایر نقاط جهان و خود ایران را توجیه کنند!

میتوان تصور کرد که همین فردا شکنجه شده ای را پشت دوربین بنشانند تا اعتراف کند که آلت دست آل سعود بوده تا جامعه ایران را نا امن کند و از این طریق رقابت تروریستی شان با سردسته شاخه سنی تروریسم اسلامی را توجیه کنند!

میتوان تصور کرد که همین فردا در باره کشف شبکه تروریستی داعش و خشی کردن ترورهای دیگر

توسط سربازان گمنام امام زمان رجز خوانی کنند تا در مقابل جامعه قدرتمایی کنند!

دنیای وارونه ای است و همین الان خالقین اصلی باندهای ترور و توحش اسلامی در جهان خود در نقش قربانیان ترور و مبارزان علیه ترور ظاهر میشوند و جمهوری اسلامی هم یکی از مهمترین اینهاست.

حکام آمریکا که طالبان را با دست خود ساخته اند دست در دست شیوخ مرتجع حاشیه خلیج که داعش را خلق کردند همین دیروز در ریاض ژست مبارزه با تروریسم گرفتند!

پوتین در روسیه که حامی سرسخت قاتل صدها هزار مردم سوریه است خود مدعی است اصلاً يك پای اصلی مبارزه با تروریسم است!

حکام اسلامی ایران که يد طولانی در سازمان دادن ترور در جهان و ایران دارند، حکامی که همین سال گذشته فقط در خود ایران بیش از هزار انسان را با طناب دار ترور کرده اند مدتهاست در نقش

قربانی ترور و مبارزه علیه ترور ظاهر میشوند!

می بینیم که تروریستهای مشهور جهان که به دو قطب تقسیم شده اند هم فعالانه مشغول تقویت باندهای ترور قطب خودشان هستند و هم فعالانه قطب مقابل را عامل تروریسم و خود را قربانی تروریسم معرفی میکنند.

مردم هشیار باشید، ترور در تهران جلوه دیگری از همین رقابت دو قطب تروریستی است و همین الان در اتاقهای فکر اطلاعاتی جمهوری اسلامی مشغول سازمان دادن استفاده سیاسی از این ترور هستند تا اعتراض بحق شما را که قطب سوم در مقابل همه باندهای تروریست اسلامی و حامیان جهانشان هستی خفه کنند! مردم بیگناه کابل و بغداد و سوریه و فیلیپین و نیجریه و لندن و منچستر و پاریس و تهران و نقاط دیگر جهان همچنان مورد حمله ترور و توحش اسلامی خواهند بود چون حامیان دولتی تروریسم اسلامی در جهان و منطقه به تحرك این تروریسم نیاز دارند. آنها به تداوم ترور اسلامی نیاز

دارند هم برای توسعه و تحکیم قدرت سیاسی قطب خود در منطقه و هم برای به تمکین کشاندن جوامع تحت سلطه خود.

تنها راه مهار کردن تروریسم اسلامی به میدان آمدن متحد و قدرتمند همین قطب سوم در ایران و جهان است که قربانیان هر روزه این تروریسم هستند. تنها راه افسار زدن به تروریسم اسلامی زدن این مار سه سر توسط مردم است که يك سرش در ایران و سر دیگرش در عربستان سعودی و سر سومش در میان دولتهای غرب است که دهه های طولانی مستقیم و غیر مستقیم

پشت باندهای مختلف تروریسم اسلامی بوده اند و هنوز هم هستند. مردم معترض ایران، شما مدتهاست که با يك سر اصلی این افعی کشنده اسلامی در ایران در جنگ و گریز هستید که در محاصره تنفر شما گیر کرده است. چشمهای زیادی در جهان به شما دوخته شده است که سر این افعی در ایران را در هم بکوبید. اتفاقی که در پایان دادن به تروریسم اسلامی در جهان نقش جلی خواهد داشت. *



اطلاعیه حزب درمورد اقدام جنایتکارانه تروریسم اسلامی در لندن

از صفحه ۱

دست به جنایت می زند و به زندگی مردم خون می باشد. در افغانستان تنها در سه روز گذشته بیش از صد نفر را به قتل رسانده و بیش از ۵۰۰ نفر را مجروح کرده است. یکی از قاتلان دولت اسلامی قومی افغانستان است.

زندگی اما از حرکت باز نمی ایستد و بازنده این نبرد، نه تمدن بشری و انسانیت که تروریسم اسلامی است. این را مبارزه هر روزه ما مردم در سراسر جهان برای يك زندگی بهتر

اجتماعی و دولت و سیستم قضایی کوتاه شود. این نبرد انسانی به وسعت جهان در جریان است. ایران يك سنگر بسیار قدرتمند این نبرد انسانی است که جمهوری اسلامی را هر روز و هر ساعت دارد عقب میراند و الگویی در مقابل کل مردم دنیا قرار داده است. تروریسم اسلامی و ارتجاع مذهبی را محو و نابود خواهیم کرد. این حکم بشریت متمدن است.

قلب ما با بازماندگان فاجعه لندن و با مجروحین و خانواده های آنها است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ خرداد ۱۳۹۶، ۴ ژوئن ۲۰۱۷

می کنند، با جریانات اسلامی در غرب میسازند و دولت های اسلامی در منطقه را تقویت میکنند و یا خود مستقیماً سازنده امثال طالبان و داعش اند و یا در شکل گیری دولت داعشی جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده داشتند. مقابله و محو جنبش اسلامی در همه جا و از جمله در ایران و افغانستان و عراق کار مردم است. کار مردمی که جامعه ای شاد و مرفه و مدرن و خوشبخت و

انسانی، و بدون تبعیض و بی حقوقی و سرکوب می خواهند، کار مردمی که برابری می خواهند، مردمی که می خواهند دست مذهب از زندگی

شمشیر سر میبرد دیگری با جرتیقل مردم را آویزان میکند، یکی زن را در بازار می فروشد دیگری تحت عنوان ازدواج اسلامی و قوانین اسلامی جواز تجاوز به دختر بچه ها را صادر میکند و زن را سنگسار میکند. دول غربی نیز خود بخشی از معضل امروز جهان متمدن هستند. دولتهایی که با سیاستهای فوق ارتجاعی و تحمیل فقر و نابرابری به بخش اعظم جامعه، زمینه رشد راسیسم و فاشیسم و اسلام سیاسی را فراهم

تضمین می کند. در این نبرد اما دولت ها در کنار ما مردم نیستند. دولت های اسلامی و سرکوبگر در خاورمیانه و شمال آفریقا دهها سال است به جنایات مشابهی دست میزنند. از جمهوری اسلامی که پیشقراول داعش است تا دولت های افغانستان و ترکیه و سوریه و عراق و عربستان که تفاوت چندانی با داعش ندارند. یکی داعش را تقویت میکند یکی طالبان را، یکی بوکو حرام را به جان مردم میاندازد دیگری حوثی را، یکی با

ساختن یک دنیای بهتر، بدست خود انسان، ضروری و عملی است!



افغانستان کابوس ناتمام

گفتگو با سیامک بهاری

انترناسیونال: روز چهارشنبه هفته گذشته انفجار بزرگی در مرکز شهر کابل رخ داد. تعداد کشته شدگان در این انفجار بیش از صد تن گزارش شده است. همچنین در روزهای اخیر شاهد تظاهرات وسیع مردم در کابل و حمله پلیس و ارتش به مردم بودیم. پس از آن انفجارهای دیگری هم در کابل و هرات رخ داد. در افغانستان چه می گذرد؟ مردم چه می خواهند و حکومت چه می کند؟

سیامک بهاری: رویدادهای اخیر در افغانستان، انفجار مهیب چهارشنبه هفته گذشته، در محله دیپلماتیک کابل و متعاقب آن اعتراضات به حق مردم علیه ناامنی و بخون کشیده شده آن توسط گارد ریاست جمهوری و نیز انفجار در محل تدفین کشته شدگان، انفجار در مرکز شهر هرات، ناامنی افغانستان را بیشتر از گذشته هیولا کرده است. این حرمان بی پایانی است که مداوما مردم افغانستان در اشکال گوناگون با آن روبرو هستند.

در پس این جنایات روزمره، حقیقت دردناکی نهفته است. حقیقت زندگی میلیونها انسان گرفتار و مصیبت زده، که بیش از چند دهه است رسماً توسط تروریسم اسلامی چه در لباس احزاب جهادی و طالب و داعش و چه در دست مافیای حکومتی و جنگ نیابتی دول منطقه و سیطره ناتو، گرفتار در گرداب ناامنی مفرط، آوارگی، بیکاری، فقر و فلاکت اجتماعی، قومپرستی و دست درازی مذهب، از هستی ساقط شده اند!

هیچ عزم و اراده ای از جانب حکومت برای پایان دادن، ولو تخفیف ظاهری فجایع بیشمار که مردم با آن دست به گریبان هستند دیده نمی شود. شیرازه جامعه عملاً از هم گسسته است. حکومتی مافیایی، قومی و قبیله ای و تا مغز

استخوان فاسد، همسو با استراتژی ناتو، دوش به دوش تروریسم اسلامی هار و ضد بشری، مشغول زد و بند و بده و بستان با ارتجاع محلی و کشورهای منطقه است.

نرخ بیکاری و رکود تورمی، سرسام آور رو به رشد است. میلیاردها میلیارد کمک های خارجی عملاً در حفرة فساد بی پایان مافیای دولتی گم شده است. آوارگی و فرار مردم همچنان رو به ازدیاد است. همدستی دولت با متنفذین و جنگ سالاران و تفنگچی های محلی، بر متن فلاکت اجتماعی که بر جامعه تحمیل کرده اند، هر چه بیشتر راه را بر رشد و گسترش طالبان و داعش و توحش تروریسم اسلامی باز کرده است.

سهم خواهی و اعمال نفوذ احزاب جهادی و رقابت در تقسیم قدرت سیاسی، سبب دست درازی هر چه بیشتر مذهب در زندگی و شئون مردم شده است، تقویت قوانین و سنن عقب مانده و قبیله ای زندگی را بر میلیونها مردم بویژه زنان ستم دیده، افغانستان را به جهنمی سوزان بدیل کرده است.

هژمونی روز افزون نظامی و سیاسی ناتو و متحدین آن بر تمامی دستگاه های حکومتی، رقابت و جنگ بی پایان جناح های مافیای حکومتی، حال و آینده کشور را به جنگهای نیابتی و رقابتی در منطقه گره زده است. به نحوی افغانستان به چهار راه تاخت و تاز رقباي منطقه ای بدل شده است. عریده کشی تروریسم اسلامی و بر همین متن ممکن و تشدید گردیده است.

انفجار بمب در محله وزیر اکبر خان، معروف به محله دیپلماتیک کابل، به هر کس نسبت داده شود، یک موضوع سر جایش باقی می ماند، و آن ناامنی و بی تأمیني مردم در افغانستان است. دامنه این

ناامنی خود را در سرکوب مسلحانه تظاهرات مردم بخوبی نشان داد. مردمی که به دست خالی و برای دادخواهی به خیابان آمده بودند و با گاز اشک آور و گلوله پاسخ گرفتند. بمب گذاری را به طالبان و شبکه حقانی نسبت می دهند، بسیار خوب، سرکوب خونین اعتراض مردم علیه تروریسم که توسط گارد ریاست جمهوری اسلامی صورت گرفت که دیگر کار طالب نیست! تحمیل فقر و فساد و رشوه خواری و تشدید قومپرستی آشکار و تقویت احزاب جهادی مستقیماً حاصل کارکرد دستگاه حکومتی است.

مردم حق دارند بپرسند، بمب گذاری و سه انفجار پیاپی در محل دفن کشته شدگان چگونه می توانسته با این سرعت سازماندهی شود؟ همین انتحاری ها بیشتر از این در زندان بودند. چطور آزاد شدند و یک راست رفتند با تجهیزات انتحاری عملیات کردند؟ اداره امنیت اطلاعیه داد که مواد منفجره را این افراد در کفش هایشان جاسازی کرده بودند. اجساد بجا مانده دقیقاً خلاف این را نشان نمی دهد؟!

در یک کلام در افغانستان این فقط گروه های تروریستی - اسلامی نیستند که پرونده خونبار و جنایی دارند! قطب منفور دیگری به نام حکومت هم هست که مثل مار هفت سر به جان جامعه افتاده است. هر تکه این حکومت از عوامل و فرمانبر بازیکرانی در منطقه ای هستند.

انترناسیونال: طالبان در افغانستان چه موقعیتی دارد و رابطه دولت افغانستان با طالبان چگونه است؟

سیامک بهاری: موقعیت طالبان حاصل تناسب قوای سیاست ها و رقابت های منطقه ای است. این جریان تروریستی، اسلامی است که

غرب و مشخصاً امریکا در جریان جنگ سرد و حضور قوای نظامی شوری سابق به جان مردم افغانستان انداخت. پس از پایان جنگ سرد، افسار این گروه رها شد. کنترل و مهار آن از دست غرب خارج شد. اما هرگز از حمایت دول ارتجاعی منطقه محروم نشد. سازمانهای امنیتی این دولتها بویژه پاکستان نفوذ ویژه ای بر بخش های بزرگی از طالبان دارند. رهبران اصلی و فرماندهان کلیدی طالبان، همواره به (آی اس آی) متکی بوده اند. نفوذ ریشه دار این دستگاه امنیتی بر طالبان غیر قابل کتمان است.

ایجاد رابطه مجدد دولت افغانستان با طالبان به سبب تشابه سیاسی و ایدئولوژیک و منافع مشترک و وابستگی به دول منطقه، از زمان حامد کرزای ابتدا بصورت غیر متعارف و نسبتاً محرمانه آغاز گردید. تروریستهای طالب به برادران ناراضی طالب تغییر نام یافتند. این سیاست در دوران اشرف غنی و عبدالله، رسمی تر و به نام شورای مذاکرات صلح دنبال گردید.

توجه دوباره غرب به طالبان تا آنجا شدت یافت، که تحت نظارت مستقیم امریکا امکانات دفتر علنی طالبان در کشور قطر صورت واقع بخود گرفت و آشکارا این دفتر به نام امارات اسلامی طالبان طی مراسم رسمی گشایش یافت. ذبیح الله مجاهد از عناصر کلیدی طالبان بعنوان مسئول دفتر سیاسی طالبان شروع به ایجاد رابطه علنی با برخی کشورها از جمله جمهوری اسلامی کرد. چند بار هیئت عالی رتبه طالبان بصورت علنی و تحت عنوان شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی رسماً به تهران سفر کردند. ایجاد روابط دیپلماتیک و دفتر علنی برای یک سازمان تروریستی تنها در پناه دول تروریست پرور امکان پذیر

می شود. مذاکره با گلبدین حکمتیار، جنایت کار و تروریست شناخته شده و رهبر حزب اسلامی یکی دیگر از اقدامات علنی برای بازگرداندن حزب اسلامی و بازگشایی راههای جدید برای سازش و رضایت به تقسیم قدرت با طالبان بود. گلبدین پس از صلح و سازش و گرفتن امتیازهای لازم، همراه با تفنگچی هایش از "مخفی گاه" بیرون آمد و با استقبال رسمی سران حکومت وحدت ملی رسماً به بخشی از بدنه قدرت سیاسی حاکم بدل شد. او در اولین سخنرانی رسمی اش، با برادر دینی خواندن طالبان، بصورت آشکار از آنها دلجویی کرد و خواست بیایند و شریک قدرت دولتی گردند و توافقنامه صلح را امضا کنند.

در تحولات سیاسی و تناسب قوای کنونی و قدرت گیری داعش، بدیهی است که طالبان بیشتر مورد توجه قرار بگیرند. این موقعیت برای طالبان مانده ای آسمانی است که بتوانند با فشار بیشتری بر حکومت فعلی افغانستان امتیازات بیشتری بگیرند و عملاً قدرت مانور وسیعتری بدست آورند.

در کنفرانس "پروسه کابل" که در همین هفته جاری پس از عملیات تروریستی برقرار گردید، نمایندگان بیش از ۲۳ کشور از جمله نمایندگان ناتو، امریکا و انگلیس و کشورهای نظیر پاکستان و جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند، اشرف غنی با صراحت از ایجاد رابطه با طالبان نام برد و از آنها خواست با ایجاد دفتر علنی در کابل و یا هر جای دیگر خواستهای خود را مطرح کنند. این پیامی روشن و آشکار و کاملاً حساب شده از جانب حکومتی است که صلح و سازش با طالبان را بعنوان برقراری امنیت و پایان جنگ دارد

کارگران هفت تپه همراه با خانواده ها دست به تحسن زدند

نیروی انتظامی باید از مراکز کار برچیده شود!

در جلب توجه و حمایت مردم و عقب راندن کارفرما و دولت موثر است. جمع کردن بساط نیروهای سرکوب در مراکز کار باید به خواست فوری کارگران هفت تپه و کلیه مردم در سراسر کشور تبدیل شود. حزب کمونیست کارگری مردم شریف و زحمتکش در هفت تپه و در سراسر کشور را به حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و خواست های آنها و از جمله جمع کردن بساط نیروهای سرکوب از محیط کار فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ خرداد ۱۳۹۶،
۶ ژوئن ۲۰۱۷

خود را عملی کردند. کارفرما با استفاده از نیروی انتظامی تلاش کرده است فضای رعب و وحشت ایجاد کند و با قلدری از پرداخت حقوق کارگران خودداری کند و جلو اعتراض آنها را بگیرد. اعتصاب و تحسن کارگران در روزهای اخیر نشان داد که کارگران مرعوب کارفرما و نیروهای سرکوب نشده اند.

حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی در مرکز شهر اقدام مهمی است که در دو سال گذشته در جنبش کارگری وسعت گرفته است. این تجربه در ماههای گذشته در کارخانه هپکو در اراک و فولاد اهواز نشان داد که تا چه حد

لازم به توضیح است که کارگران در اولین روز اعتصاب در روز ۱۳ خرداد جاده بین المللی اهواز- اندیمشک را بستند و خواهان پرداخت فوری حقوق فروردین و اردیبهشت و پاداش سالهای ۹۴ و ۹۵ شدند. روز ۱۵ خرداد سیامک نصیری افشار، قائم مقام شرکت، با حضور در میان کارگران اعتصابی اعلام کرد که هر کس به سر کار برنگردد اخراج میشود. کارگران او را هو کردند و اعلام کردند در صورتی که حقوق معوقه آنها پرداخت نشود و مشکل بیمه آنها حل نشود، دست به تحسن در مقابل فرمانداری شوش خواهند زد و امروز این التیماتوم

کارگران مواجه شد. کارگران متحصدن وی را مورد هجوم قرار دادند که در این حین مامور مربوطه با حرکت به سمت ماشین خود و برداشتن سلاح اقدام به تیراندازی هوایی کرد اما کارگران با حرکتی بموقع مانع ادامه تیراندازی و وقوع جنایت از سوی این مامور شدند. پس از کنترل این مامور توسط کارگران، کارگران نیشکر و خانواده هایشان تا ساعت ۲ ظهر به تجمع و تحسن خود در محل شرکت ادامه دادند و با عدم پذیرش وعده و وعیدهای کارفرما اعلام کردند همچنان به اعتصاب و اعتراض خود تا دستیابی به مطالباتشان ادامه خواهند داد.

بیش از هزار کارگر شاغل و بازنشسته و نی بر نیشکر هفت تپه که از روز ۱۳ خرداد دست به اعتصاب و تجمع زده بودند، از ساعت ۸ صبح امروز همراه با خانواده های خود دست به تحسن در محل شرکت زدند و خواهان رسیدگی به خواستهای خود از جمله پرداخت فوری حقوق های معوقه شدند. طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، در جریان تحسن امروز یکی از مامورین انتظامی که از زمان خصوصی شدن این شرکت در محل این شرکت مستقر شده است، اقدام به توهین به کارگران کرد که با عکس العمل

افغانستان کابوس ناتمام

از صفحه ۳

به خورد مردم می دهد.

بازگشت طالبان برای میلیونها مردمی که قربانی سرکوب فوق خشن حتی ابتدایی ترین حقوق خود هستند، برای میلیونها زنی که اولین قربانیان سرکوب سیستماتیک اسلامی اند، هیچ معنایی بجز اعلام جنگ رسمی و علنی علیه آنها ندارد. صلح با طالبان، نه تنها بازگشت صلح نیست که ادامه جنگی خشن تر از قبل علیه مدنیت و حقوق اجتماعی مردم و گسترش دامنه فقر و تباهی بیشتر است. این به اصطلاح صلح عملا به آوارگی و فرار میلیونها نفر از خانه و کاشانه شان خواهد شد.

پروژه "صلح" عملا دست طالبان را در دست اندازی به مناطق بیشتری باز گذاشته است. قلمرو امارت اسلامی طالبان عملا در حال گسترش است. ناتو، پاکستان و کشورهای

ائتلاف با عربستان سعودی از یکطرف، روسیه و قطر و جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر هر کدام مهره های حکومتی در افغانستان و بخش های مختلفی از طالبان را تقویت و جهت می دهند. جمهوری اسلامی با نفوذ دیرینه در حزب وحدت اسلامی به رهبری کریم خلیلی عملا آتش جنگ شیعه و سنی را در افغانستان دامن می زند. سپاه قدس بخش هایی از طالبان را تجهیز و آموزش می دهد. همزمان آشکارا برای اعزام نیروی جنگی به سوریه در افغانستان سربازگیری می کند.

انترناسیونال: تناسب قوای مردم با حکومت و طالبان چگونه است؟ جبهه سومی می تواند این موازنه ارتجاعی را به هم بزند؟
سیامک بهاری: جامعه افغانستان بر سربازهای تعیین کننده قرار دارد، دو قطبی حکومت و کل

ارتجاع منطقه با همه شرکای غربی و شرقی شان در مقابل مردمی که عزم دارند خود را از شر این هیولا نجات دهند، جبهه اصلی نبرد در افغانستان است. موجی از مبارزه برای ترقی خواهی و سکولاریسم، جدال هر روزه با خرافات و خشونت ها و سنن عقب مانده، دفاع از حق زن، مقابله با تفرقه قومی و مذهبی در جریان است. این مبارزه ای بشدت سخت و هزینه بردار است. اما بیوقه دارد به پیش می رود. نسلی از زنان سرکش، جوانان جسور، سنت شکن و خوش فکر، علیرغم همه سختی ها و خطرات، میدان مبارزه را ترک نکرده اند. این را در اعتراضات خیابانی، در مبارزات اجتماعی، در جدال با فساد گسترده حکومتی، در مبارزه برای نان، کار، شغل، امنیت و ... می توان به وضوح مشاهده کرد. جنبش های اجتماعی پیشرو علیه بیکاری، علیه تبعیض سازمان یافته دولتی، دارد جای جدی تر و ملموس تر در مبارزات

اجتماعی باز می کند. نسلی که خود را وام دار احزاب جهادی، و مافیای حکومتی نمی داند.

این نسل به یک رهبری چپ و سوسیالیستی نیاز دارد که بتواند همه راه را تا به آخر، تا پیروزی نهایی به پیماید. این جبهه بدون این قطب نما، راه را گم خواهد کرد.

برای مثال به "جنبش روشنائی" نگاه کنید، این جنبش در آغاز برای رفع تبعیض در چگونگی توزیع برق در نواحی مختلف شکل گرفت و بسرعت به جنبش عدالت خواهی سراسری بدل شد اما در غیاب رهبری چپ و سوسیالیستی، عملا به چانه سازش با احزاب و جریانات عمدتا قومی - مذهبی افتاد، در نیمه راه با حمله و بمب گذاری از تپش ایستاد.

جنبش عدالت خواهی و رفع تبعیض، از این ناکامی باید درس بگیرد و راه خود را جدا کند. این جنبش حی و حاضر موجود است. باید متحزب بشود و خود را سازمان بدهد. در همین تظاهرات

اخیر که به خون کشیده شد، این لیاقت و جسارت را بازهم از خود نشان داد. توانست مجددا عرض اندام کند. راه خود را از احزاب جهادی از جمله و مشخصا از حزب جمعیت اسلامی جدا کند.

این نیرو، این خواست و مطالبه به یک رهبری سرسخت نیاز دارد. چپ و سوسیالیسم درهمین میدان باید بجنگد و کسب اعتماد کند و لیاقت خود را برای رهبری جنبش عظیم عدالت خواهی تثبیت کند. بدون این، جامعه افغانستان بازهم متحمل خسارات جبران ناپذیر بیشتری خواهد شد. این افق، این امید، این شور و جسارت موجود است. این جنبش برای اینکه نیرو بگیرد باید در خیابان باقی بماند! باید به سازماندهی اعتراضات عدالت خواهانه بپردازد. مرزهای خود را دقیقتر کند و نیروی بیشتری را به اعتراض بکشد و عرض اندام کند. *

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

طرح کارورزی اشتغال جوانان، طرح بردگی نیروی بیکار جوانان

شهلا دانشفر



تسهیلات لازم برای تامین مسکن، بیمه‌نامه از "خبرخوش اجرای طرح کارورزی اشتغال جوانان" گزارش می‌دهند. طرحی که در بهترین حالت اشتغال سالانه ۱۵۰ هزار فارغ التحصیل بیکار را هدف خود قرار داده است. و این چیزی جز طرح به بیگاری کشیدن نیروی جوان آماده به کار و گرفتن چماق بیگاری و بی‌تامینی بر روی سر کل جامعه نیست. هدفشان نیز همانطور که همیشه اعلام کرده اند، ارزان سازی نیروی کار است. تا بلکه گشایشی برای جلب سرمایه های خصوصی و دادن تکانی به اقتصاد به گل نشسته شان است. طرحی که تا همین حالا اعتراضات بسیاری را دامن زده است و خود یک موضوع مهم نزاع و کشاکش در درون حکومت است. بطوریکه حتی تشکل های دست ساز حکومتی نظیر کانون عالی شوراهای نیز نسبت به عواقب اجتماعی آن هشدار داده اند.

جنبش علیه بیگاری با شعار یا کار ، یا بیمه بیگاری

کارگران به طرح بیگاری "کارورزی" تن نمی‌دهند و نباید به این بردگی تن داد. جنبش علیه بیگاری با خواست یا کار یا بیمه بیگاری، جنبشی که بیشترین زمینه اجتماعی را دارد و پاسخ ما کارگران به تعرضات اعتراضی مان است.

بیگاری یک درد اجتماعی است و زندگی و معیشت بخش عظیمی از جامعه را به تباهی کشیده است. به این معضل باید به عنوان یک درد فراگیر اجتماعی نگاه کرد و در تقابل با آن که آمارش در ایران میلیونی

حداقل ۴ ماه و حداکثر ۶ ماه برای هر "کارورز" عنوان کرد که در صورت جذب آنان در واحد و بنگاه اقتصادی مربوطه، دولت تا ۲ سال ۱۰۰ درصد حق بیمه کارفرما را پرداخت خواهد کرد. در نتیجه کارفرمایان تا ۲ سال از پرداخت حق بیمه در قبال کارورزان معاف میشوند.

و خلاصه کلام اینکه دوره کارورزی که قبلاً سه ماه بود به سه سال افزایش یافت و به کارفرمایان اجازه داده شد که فارغ التحصیلان با مدرک کارشناسی ارشد را برای مدت سه سال با یکسوم حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر و بدون هیچگونه بیمه و تأمینات اجتماعی و سابقه کاری به بیگاری بکشند. و این درحالیست که در دو سالی که قرار است دولت بیمه "کارورز" را بدهد، با او (با مدرک لیسانس، فوق لیسانس و یا دکترا) حتی قرارداد موقت هم بسته نمی‌شود. بعد از این دو سال نیز کارگری که به عنوان "کارورز" پذیرفته شده بود، کارفرما می‌تواند در صورت صلاحدیدش به آسانی اخراجش کند و هیچگونه تعهدی هم در قبالش نداشته باشد. ضمن اینکه اگر کوچکترین اعتراضی به این شرایط کاری برده وار داشته باشد، به راحتی از کار اخراج میشود.

در آمارهایشان از سونامی بیگاری جوانان می‌گویند. از اینکه هر سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر فارغ التحصیل وارد بازار کار می‌شوند و اینکه نزدیک به نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاهها بیکار هستند خبر می‌دهند، اما به جای ایجاد شرایط اشتغال این نیروی جوان به کار و یا برخورداری جمعیت میلیونی بیکار از بیمه بیگاری و بیمه های اجتماعی دیگر چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و

کاملاً روشده باشد. و هر روز بصورت قطره چکانی گوشه ای از طرح تعرضی خود را برملا میکنند، تا اوضاع را تحت کنترل داشته باشند. از جمله در ۲۰ اردیبهشت ۹۶ خبر از این داده شد که "کارورز" تحت پوشش بیمه حوادث بیمه تأمین اجتماعی نخواهد بود، بلکه تحت پوشش بیمه حوادث قرار می‌گیرد و دستمزد وی نیز تحت عنوان "کمک هزینه" مبلغی در حدود ۴۰۰ هزار تومان است که ۷۰ درصد این مبلغ توسط واحد پذیرنده و ۳۰ درصد باقیمانده توسط دستگاه مجری پرداخت میشود. تازه پرداخت همین چندرغاز نیز که یک سوم حداقل دستمزد تعیین شده چند بار زیر خط فقر شورایی کار است، با کنترل ساعت کار طی شده "کارورز" اجرایی خواهد شد و پرداخت سهم دستگاه مجری و واحدپذیرنده مربوط به آخرین ماه دوره کارورزی منوط به ارائه گواهی نامه قبولی کارورز در آزمون سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به دستگاه مجری می‌باشد. هدف اجرای این طرح نیز بنا بر دانش آموختگان دانشگاهی گروه سنی ۲۳ ساله تا ۳۲ ساله (با احتساب ۲ سال خدمت سربازی) در همه رشته‌های دانشگاهی برحسب نیاز بنگاه های اقتصادی خصوصی و تعاونی قید شده است.

بعداً هم در سوم خرداد ماه، علای الدین ازوجی مشاور وزیر و مدیرکل سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت کار درباره حقوق "کارورزان"، دستمزد این افراد را به رقمی پایین تر رساند و مبلغش را به میزان یک سوم حداقل حقوق مصوب سال ۹۶ از سوی دولت یعنی حدود ۳۱۰ هزار تومان برای هر اعلام کرد. او همچنین دوره کارورزی را

در سال گذشته علی ربیعی وزیر کار از تدوین دستورالعمل طرح کارورزی فارغ التحصیلان دانشگاهی خبر داد و این طرح دوباره روی میز قرار گرفت. بدین ترتیب این طرح بطور خزنده جلو کشیده شد. دلیلش نیز به روشنی اینست که در برابر فضای اعتراضی جامعه از انعکاس یکباره این تعرض آشکار به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه هراس دارند. برای مثال در تبصره ۳۳ پیش نویس برنامه ششم، از اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی گروه های سنی زیر ۲۹ سال برای مدت دو سال با ۷۵ درصد حداقل حقوق و خارج از شمول قوانین کار و تأمین اجتماعی بحث بود و هدف آن نیز کاهش هزینه نیروی کار بینگاہهای اقتصادی قید شده بود.

بدنبال انتشار این پیش نویس بحث های اعتراضی بسیاری به راه افتاد. زیر فشار این اعتراضات تبصره را حذف کردند، اما بند ۵ ماده ۱۵ لایحه برنامه ششم که با هدف قرار دادن نیروی کار جوان ارزان در اختیار کارفرمایان و سرمایه گذاران بخش خصوصی باقی ماند. بر طبق این بند کارفرمایانی که طی برنامه ششم توسعه نسبت به جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی با مدارک حداقل کارشناسی به صورت کارورزی اقدام نمایند، ازپرداخت سهم کارفرما و بیمه بیگاری برای مدت ۲ سال از تاریخ شروع کار معاف می‌شوند. و آئین نامه اجرایی آنهم به پیشنهاد سازمان و وزارت کار به تصویب هیئت وزیران رسید.

بدین ترتیب دولت روحانی یکی دیگر از طرحهای ناتمام دولت احمدی نژاد را دوباره روی میز گذاشت، بدون آنکه مفادش

طرح "کاج" (کارانه اشتغال جوانان) طرح بیگاری کشیدن از نیروی جوانان بیکار است. سایت خبری دولتی ایلنا طی خبری در ۱۲ اردیبهشت تحت عنوان "خبر خوش برای جویندگان کار" آغاز اجرای این طرح را خبر داد. این طرح گام دیگری در جهت ارزان سازی نیروی کار برای کارفرمایان و به قول خودشان هدفش ایجاد مشوقه برای سرمایه گذاری صاحبان سرمایه است. بنا بر این طرح یکسوم دستمزد "کارورزان" و بیمه حوادث آنان برای مدت یکسال توسط دولت پرداخت میشود و مابقی آنرا کارفرما میپردازد. اینکه سابقه طرح "کارورزی" چیست ، چه هدفی را دنبال میکند و پاسخ ما کارگران چیست، موضوعیست که مختصراً به آن اشاره می‌کنم.

مختصری از سابقه طرح کارورزی

طرح کاج، طرح جدیدی در حکومت اسلامی نیست. در پنجمین جلسه شورای عالی اشتغال دولت احمدی نژاد نیز، دستورالعملی تحت عنوان "طرح کارورزی دانش آموختگان دانشگاهی" به تصویب رسیده بود که به موجب آن حداکثر ۵۰ درصد حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار به عنوان کمک هزینه کارورزی مجری طرح برای پرداخت به کارورزان به واحدهای پذیرنده پرداخت می‌شد. همچنین تمامی واحدهای پذیرنده موظف به انعقاد قرارداد با کارورز بودند و کلیه کارورزان طی دوره کارورزی توسط وزارت کار تحت پوشش بیمه حوادث قرار می‌گرفتند.

سپس با روی کارآمدن دولت روحانی این طرح در آذر ۹۳ به تصویب شورای اشتغال رسید و

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صبح روز ۱۷ خرداد همزمان دو حمله مسلحانه تروریستی کاملاً سازمان یافته به مجلس اسلامی و محل دفن خمینی صورت گرفت. اخبار دولتی از کشته شدن ۱۷ نفر و مجروح شدن بیش از ۴۰ نفر گزارش میدهد. اما روشن است که این گزارشات به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند. طبق آخرین خبرها جریان اسلامی داعش مسئولیت این عملیات تروریستی را بر عهده گرفته است. اما اعمال تروریستی از جانب هر کس که صورت گیرد، قربانیانش مردم هستند. نتیجه مستقیم مسموم کردن فضای جامعه است و زیان مستقیمش به مبارزات کارگران و مردم می رسد. حکومت اسلامی هم که خود یک پای تروریسم و ناامنی در منطقه است، تلاش میکند، از این مساله به عنوان نعمتی برای ایجاد فضای رعب و ترور در جامعه سود جوید. خصوصاً در جایی چون مجلس اسلامی که محل تجمعات هزاران نفره هر روز مردم است، بهانه ای خواهد بود برای حکومت اسلامی که با امنیتی کردن فضا جلوی چنین تجمعاتی را بگیرد. اما روشن است که کارگران و مردم معترض به اعتراضات و طرح خواسته های خود در هر شرایطی ادامه میدهند و این نوع توطئه گرایی نمیتواند آنها را به سکوت بکشاند. اعتراضات هزاران کارگر در همین هفته ای که پشت سر گذاشتیم گواه روشن این حقیقت است.

بنا به گزارشها در جریان عملیات تروریستی در مقابل مجلس اسلامی سه تن از معلمان به اسامی هانیه اکبرپانی از معلمان حق التدریس از لرستان و حسین بنی اردلان و حسین جلالی از معلمان خراسان جنوبی که برای پیگیری مطالبات خود همراه با دیگر معلمان حق التدریس تجمع داشتند، جان خود را از دست دادند. در جریان این حمله تروریستی مهدیه هراتی از فعالین اجتماعی انجمن کارتن خوابی لرستان نیز جانباخت. جانباختن آنها را به خانواده ها، به

همکارانشان و به همگان تسلیت میگویم.

معلمان حق التدریس در این هفته تجمعات متوالی ای بر پا کردند. از جمله در روز ۱۶ خرداد تجمع معلمان حق التدریس و قراردادی و آموزشیاران نهضت سواد آموزی با خواست تبدیل قراردادهایشان به قرارداد ثابت و پرداخت حقوق معوقه شان، همزمان با مالباختگان در مقابل مجلس تجمع داشتند. تعداد تجمع کنندگان در این روز نزدیک به دو هزار نفر بود. مقابل مجلس و مراکز قدرت حکومت اسلامی به محل تلاقی اعتراضات بخش های مختلف مردم برای پیگیری خواسته هایشان تبدیل شده است.

سرتیرهای اعتراضات

مهم کارگری در هفته ای که گذشت

هفته ای که گذشت، هفته اعتراضات هزاران کارگر در محیط های کارگری بود که فضای پر تحرک جنبش اعتراضی کارگری و گسترش هر روزه این اعتراضات را به نمایش میگذارد. تجمع اعتراضی ۲۰۰ گروه ملی فولاد اهواز به نمایندگی از سوی ۴ هزار کارگر این کارخانه در مقابل استانداری خوزستان، تجمع اعتراضی بیش از ۴۰۰ کارگر آذر آراک به نمایندگی از ۱۵۰۰ کارگر این کارخانه مقابل ساختمان استانداری، سه روز اعتصاب قدرتمند کارگران بازنشسته و شاغل بیش از هزار کارگر نیشکر هفت تپه و حضور خانواده ها در این اعتراضات، و تداوم قدرتمند کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و حمایت گسترده از خواسته های اسماعیل عابدی از رهبران اعتراضات معلمان از سوی فعالین کارگری و کانونهای صنفی معلمان و نهادهایی چون اتحادیه بین المللی معلمان و عفو بین الملل از دیگر سرتیرهای مهم خبرهای هفته گذشته است. نگاهی مختصر بر این خبرها داشته باشیم.

تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد اهواز

صبح روز ۱۷ خرداد ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه ملی فولاد اهواز به نمایندگی از سوی ۴ هزار کارگر شاغل کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه دستمزد و حق سنواتشان که از سال ۹۰ تاکنون پرداخت نشده است، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران در روز قبل از آن نیز مقابل دفتر مدیریت تجمع داشتند که زیر فشار آنان معاونت فنی گروه ملی در جمع کارگران اعلام کرد که مدیریت گفته است که از دست آنها کاری ساخته نیست و شما هم چاره ای ندارید جز اینکه به تولید ادامه دهید و توقع حقوق نداشته باشید. در پاسخ به این گستاخی کارگران اعلام کردند که تا به خواستشان نرسند به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

کارگران آذر آب اراک مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند

روز ۱۶ خرداد بیش از چهارصد نفر از کارگران آذر آب اراک به نمایندگی از ۱۵۰۰ کارگر این کارخانه مقابل استانداری استان مرکزی در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد هایشان از اسفند ماه گذشته تاکنون تجمع کردند. بعلاوه هفت ماه است که بن این کارگران پرداخت نشده است و همچنین دلیل عدم پرداخت بیمه شان، با مشکل روبرو شده اند. تجمع قبلی این کارگران در روز های دوم و سوم خرداد ماه در محوطه کارخانه و در میدان صنعت شهر اراک صورت گرفت. خبرها همچنین از آغاز دور جدید اعتراضات کارگران هیپکو حکایت دارد. بنا بر خبرهای منتشر شده از اول هفته گذشته کارگران هیپکو اراک در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۳ ماه مزد و خطر تعطیل شدن کارخانه دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند. همزمانی این دو حرکت اعتراضی توجه ها را به خود جلب کرده است.

خصوصاً یکماه اعتراض بیش از هزار کارگر کارخانه هیپکو یکی از نقطه های درخشان مبارزات کارگری در سال ۹۵ بود. اعتراضاتی که کارگران با شعار یک اختلاس حل بشه مشکل ما حل میشه، و با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی وای از این وضع، وای از این وضع، صدای اعتراض کل کارگران و کل جامعه را فریاد زدند. یکماه اعتراض قدرتمند کارگران هیپکو در سال ۹۵ و تظاهرات هر روزه آنها در خیابانهای اراک بر فضای اعتراضی شهر و کل جنبش کارگری تاثیر گذاشت. اعتراضاتی که در نوزدهم بهمن ۹۵ به نقطه عطف مهمی رسید و وارد شدن خانواده ها به عقب نشینی مدیریت منجر شد و کارگران توانستند بخشی از طلب هایشان را نقد کنند. اینها همه تجربیات درخشانی است که بدون شك امروز این کارگران و کل جنبش کارگری را در موقعیت قوی تری برای پیشبرد اعتراضات قرار داده است.

اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفته تپه و به میدان آمدن خانواده ها

صبح ۱۶ خرداد بیش از هزار کارگر شاغل و بازنشسته نیشکر هفته در سومین روز اعتراضاتشان مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این حرکت اعتراضی شماری از خانواده های کارگران نیز حضور داشتند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع یکی از مامورین انتظامی مستقر در شرکت با حضور در محل، اقدام به ناسازگویی به کارگران کرد. در عکس العمل به رفتار توهین آمیز او شماری از کارگران با وی درگیر شدند و او هم با برداشتن سلاح اقدام به تیراندازی هوایی کرد که کارگران توانستند بموقع جلوی او را بگیرند. علیرغم این تیراندازی کارگران نیشکر هفت تپه همراه با خانواده هایشان تا ساعت ۱۲ ظهر اقدام به بستن جاده بین المللی

به تحصن خود ادامه دادند و در برابر وعده و وعیدهای کارفرما اعلام کردند که تا دست یابی به مطالباتشان همچنان به اعتصاب و اعتراض خود ادامه خواهند داد. اولین روز اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در ۱۳ خرداد اتفاق افتاد که در آن ۵۰۰ کارگر بازنشسته این شرکت بدلیل تاخیر پرداخت ۴ درصد سهم بیمه کارفرما به صندوق تأمین اجتماعی و ماهها بلاتکلیفی و بدقولیهای وی در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کرده بودند. در این روز تصمیم کارفرما مبنی بر پرداخت تنها بخشی از مطالبات بازنشستگان از سال ۹۴ و ۹۵، خشم کارگران بازنشسته را برانگیخت و در نتیجه آنها از شرکت خارج شده و جاده بین المللی اهواز - اندیمشک را بستند و ترافیک سنگینی در این مسیر ایجاد شد که با دخالت نیروی انتظامی و دعوت به مذاکره، کارگران به کارخانه بازگشتند. بدنبال این تجمع اعتراضی، فریدون نیکوفرد نماینده کارگران و عضو سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، توسط سیامک نصیری قائم مقام مدیریت شرکت هفت تپه بدلیل بروز اعتصابات مکرر و حمایت و پیگیری های وی در دفاع از حقوق کارگران، تهدید به اخراج شد. این موضوع نیز بر شدت اعتراض کارگران افزود. از همین رو روز ۱۵ خرداد کارگران نیشکر هفت تپه برای دومین روز دست از کار کشیده و تحصن کردند. در حرکت اعتراضی این روز قائم مقام شرکت با حضور در میان کارگران اعتصابی با گستاخی تمام اعلام کرد که هر کس به سر کار خود برنگردد اخراج میشود و در صورت ادامه اعتصاب درب شرکت بسته شده و کار تعطیل خواهد شد. اما کارگران بطور یکپارچه او را هو کردند و فریاد زدند شما باید شرکت را رها کنید و بروید. کارگران اولتیماتوم دادند که اگر طلبهایشان فوری پرداخت نشود با خانواده هایشان خواهند آمد و در مقابل فرمانداری شوش تحصن کرده و اقدام به بستن جاده بین المللی

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج گردد!

فراخوان به تظاهرات علیه حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار!

حضور جمهوری اسلامی و تشکل های ضد کارگری آن که در اجلاس آی ال او شرکت میکنند هر چه رساتر کنند.

زمان و محل تجمع:
۱۳ ژوئن از ساعت ۱۳ تا ۱۵
میدان ملت، در مقابل
سازمان ملل، ژنو

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران
۳ جون ۲۰۱۷

به شرکت در میتینگی که با حضور جریانات مختلف چپ برگزار میشود فرامیخواند. حزب کلیه اتحادیه های کارگری شرکت کننده در اجلاس سازمان جهانی کار را فرامیخواند سازمان جهانی کار را برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی تحت فشار بگذارند.

حزب کمونیست کارگری مخالفان رژیم و مدافعان کارگران و مردم ایران را فرا می خواند با شرکت در این میتینگ، صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج گردد. کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. کلیه پرونده هایی که علیه فعالین جنبش های مختلف اعتراضی تشکیل شده باید بدون استثنا و بی قید و شرط لغو شود.

حزب کمونیست کارگری امسال نیز روز نهم ژوئن در تظاهرات مقابل مقر سازمان جهانی کار در شهر ژنو حضور خواهد داشت و همه مخالفان جمهوری اسلامی را

کارگران و مردم ایران نیست، رژیم سرکوب آنها است. رژیمی که کارگران را بخاطر مبارزاتشان دستگیر و زندانی میکند، شلاق میزند، هر اعتراضی را به اقدام علیه امنیت ملی متهم میکند و با این اتهامات فعالین اعتراضات کارگری را به دادگاه میکشاند، رژیمی که اعتراض کارگر به ناامنی محیط کار را با باتوم جواب میدهد، جایش نه در اجلاس سازمان جهانی کار، بلکه پشت میز محاکمه است.

نشست سالیانه سازمان جهانی کاراز هفته دوم ماه ژوئن در ژنو شروع میشود. امسال نیز جمهوری اسلامی و نمایندگان تشکل های حکومتی در این اجلاس شرکت می کنند. مخالفان جمهوری اسلامی و مدافعان حقوق کارگران در ایران، از جمله حزب کمونیست کارگری نیز همزمان برای اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در مقابل مقر سازمان جهانی کار دست به تجمع اعتراضی میزنند. جمهوری اسلامی نماینده

جنب و جوش اعتراضی کارگری و کل جامعه ممکن و عملی است. همانطور که کارگران تجمع میکنند و دستمزدهای پرداخت نشده خود را طلب میکنند، همانطور که کارگران جمع میشوند و با امضای طومارهای اعتراضی صدای اعتراض خود را علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر بلند میکنند، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات به راه می افتد، اعتراض علیه بیکاری و تاکید بر دو خواست کار یا بیمه بیکاری، اعتراضی برحق است و میتوان کارگران را حول آن گرد آورد. این دست جوانان چپ و رادیکال را میبوسد که پرچمدار چنین مبارزه ای باشند و آترا تدارک ببینند. باید دست بکار شویم.*

گروههای اعتراضی ویژه علیه بیکاری در گروههای تلگرام و به راه انداختن گفتمان بر سر این موضوع و خواستهای فوری خود نیرو جمع کرد و اعتراض سازمان داد. میتوان طومارهای اعتراضی علیه بیکاری به راه انداخت که شعار آن یا کار یا بیمه بیکاری باشد و در این طومارها اولتیماتوم داد و خواستار پاسخگویی شد. میتوان این طومارها را در تمام محلات و در گروههای تلگرام و در همه جا به امضا گذاشت و حول آن نیروی خود را گرد آورد و اعتراض شکل داد.

میتوان در هر شهر با تبلیغات وسیع حول این مساله زمینه را برای حمایت اجتماعی از تجمعات اعتراضی علیه بیکاری فراهم نمود. بر پایهی چنین اعتراضاتی در فضای پر

فقر، یعنی بالای ۴۰۰ هزار تومان، حق همه افراد آماده به کار بالای ۱۸ سال اعم از زن و مرد است و تا زمانیکه این افراد بیکارند و اشتغالی پیدا نکرده اند، برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن به حق مسلم مردم، خواستهای مهمی است که میتوان حول آن گفتمان به راه انداخت و نیرو گرد آورد.

جنبش علیه بیکاری ظرفیت بسیج بیشترین نیروی اجتماعی را دارد، با ابتکارات مختلف این نیرو را گرد آوریم و متشکل کنیم. با تشکیل ان جی او ها و کانونهایی اعتراضی میتوان نیروی عظیم معترض اجتماعی علیه بیکاری را سازمان داده و به حرکت درآورد. میتوان در مدیای اجتماعی و از جمله تشکیل

طرح کارورزی اشتغال جوانان، ...

از صفحه ۵

بیش فراهم است.

این جنبشی است که بطور واقعی جوانان و خصوصاً زنان جوان نیروی اصلی اش را تشکیل میدهند. صف مبارزه آنها باید سازمان داد و حول خواستهای مشترکی متحد کرد.

با کارزاری سراسری علیه بیکاری و با خواست بیمه بیکاری برای همه کسانی که کار ندارند و آماده به کارند، و حق داشتن کار و یک زندگی انسانی، صف میلیونی نیروی خود را علیه بیکاری سازمان دهیم.

یک گام مهم در کارزار علیه بیکاری، متشکل شدن حول خواستهایی روشن و سراسری است. بیمه بیکاری مکفی و امروز در گام اول رقمی بالای خط

است، باید جنبشی با همین ابعاد به راه انداخت. و به عبارت روشتر پاسخ بیکاری میلیونی در جامعه و افزایش هر روزه شمار آن، جنبشی سراسری علیه بیکاری است. جنبشی که همه بیکاران و خانواده هایشان، کارگرانی که از کار بیکار میشوند و خانواده هایشان را در بر بگیرد و برای آن کل جامعه را بسیج کرد.

واقعیت اینست که امروز ما با جامعه ای روبرویم که جنبش های اجتماعی در اشکال مختلف دارند سازمان می یابند و جلو می آیند. در متن این شرایط زمینه برای سازماندهی جنبشی اجتماعی علیه بیکاری بیش از

بر سر مردم حاکم کرده است. تا جمهوری اسلامی هست فقر و محرومیت و فساد و جنایت علیه مردم توسط این حکومت و اقدامات تروریستی توسط جریانات اسلامی از قطب مخالف آن ادامه خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ خرداد ۱۳۹۶،
۷ ژوئن ۲۰۱۷

حزب کمونیست کارگری عملیات تروریستی امروز در تهران را شدیداً محکوم میکند. حزب همچنین سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی در منطقه را شدیداً محکوم میکند و کارگران و مردم را به گسترش مبارزات شان برای احقاق حقوق حقه خود فرامیخواند. گسترش مبارزات مردم تنها پاسخ به جمهوری اسلامی و رقبای ارتجاعی آن و تنها پاسخ برای رهایی از شر جهنمی است که جمهوری اسلامی

های زنجیره ای و زندانی کردن و شکنجه مردم حق طلب، سلب هر نوع حق و حقوقی از زنان و کل مردم، تحمیل فقر و محرومیت و بیکاری و بی تامينی به اکثریت مردم و صدها اقدام تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور، و همچنین حمایت از ارتجاعی ترین نیروها و دولتها و عملیات مستمر نظامی- تروریستی در کشورهای منطقه بخشی از کارنامه سیاه جمهوری اسلامی است.

گسترش خواهد یافت. هر انسان آزاده ای باید قاطعانه در مقابل هر دو قطب تروریسم اسلامی در منطقه و سیاست های جنایتکارانه دولت آمریکا و متحدینش بایستد. جمهوری اسلامی سعی میکند خود را قربانی تروریسم قلمداد کند اما خود يك دولت تماماً تروریست علیه مردم ایران و در منطقه است. ۳۸ سال ترور مستمر علیه مردم ایران، اعدام های بیشمار و قتل

اطلاعیه حزب در مورد

از صفحه ۱

کشورها است. در مقابل دولت ارتجاعی عربستان در راس يك بلوك دیگر مشغول شکل دادن و تقویت جریانات تروریست از نوع دیگر است و دامنه عملیات آن بویژه بدنبال حمایت قاطع دولت آمریکا از دولت عربستان به ایران نیز کشیده میشود و با احتمال زیاد این نوع عملیات ها در ایران

کارگران کارخانه آذرآب اراک بار دیگر دست به تجمع زدند

اعلام تحصن کردند و بلافاصله صبح روز بیستم بهمن بخشی از حقوق آنان پرداخت شد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواست ها و مبارزات بحق کارگران آذر آب و هپکو آنها را به اتحاد و اعتراض مشترک و مردم شهر اراک را به پشتیبانی از خواست های آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۱۳۹۶، ۸ ژوئن ۲۰۱۷

حزب کمونیست کارگری کارگران آذرآب و هپکو در اراک را فرامیخواند که متحد و یکپارچه همراه با خانواده های خود دست به تجمع بزنند و با جلب همبستگی و حمایت مردم شهر دولت و کارفرماها را برای گردن نهادن به خواست های کارگران تحت فشار قرار دهند. کارگران هپکو موقعی موفق شدند که در روز ۱۹ بهمن همراه با خانواده های خود دست به راهپیمایی در مرکز شهر زدند و

سودآوری کارخانه نیز سهم کارگران حقوق چندبار زیر خط فقر بود. کارگران کار کرده اند و حقوق خود را میخوانند.

لازم به یادآوری است که کارگران کارخانه هپکو در اراک نیز که در ماههای دی و بهمن سال قبل بیش از یک ماه در اعتصاب و اعتراض بسر میبردند بار دیگر هفته گذشته دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان دریافت حقوق معوقه خود شدند.

محوطه کارخانه تجمع کردند و سپس اعتراض خود را به میدان صنعت شهر کشاندند. کارفرما به کارگران قول داد که بخشی از مطالبات آنها ظرف دو هفته پرداخت میشود اما این وعده ها هم پوچ بود. توجیهات کارفرما که این موسسه بدهی دارد و بازار فروش ندارد برای کارگران مطلقاً قابل قبول نیست. هم کارفرما و هم دولت مسئول پرداخت بوقع حقوق ها و بن و بیمه هستند. در اوج

عصر روز ۱۶ خرداد، کارگران کارخانه آذرآب اراک دراعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به تجمع در مقابل استانداری مرکزی زدند. کارگران چهارماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند، هفت ماه بن آنها پرداخت نشده و بیمه تکمیلی آنها بلا تکلیف مانده است. کارگران این کارخانه که ۱۵۰۰ نفر میباشند از ۲۶ اردیبهشت تا سوم خرداد نیز دست به تجمع یک هفته ای زدند. روزهای اول در

کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۶

اهواز. اندیشمک خواهند کرد. در ادامه این اعتراضات بود که کارگران در روز شانزدهم کارگران با جمعیتی بیشتر و همراه با خانواده هایشان تجمع کردند. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت ادامه دارد.

حدود ۳۵۰ کارگر بازنشسته این کارخانه از اسفند ماه سال ۹۴ تا کنون مستمری خود را دریافت نکرده اند. گروهی از این کارگران بدلیل عدم پرداخت حق بیمه شان، هنوز بازنشسته نشده اند. همچنین پرداخت نشدن حق بهره برداری و پاداش سالهای ۹۴ و ۹۵ از دیگر خواستهای کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه است.

جدا از کارگران بازنشسته کارگران شاغل در این مجتمع از آغاز سال جاری دستمزدشان پرداخت نشده و بابت حق بیمه نیز از اسفند ماه طلب دارند و این موضوع آنها را با مشکل تمديد دفترچه های بیمه شان روبرو کرده است. این چندمین بار است که در ماه جاری این کارگران در رابطه با این موضوعات دست به تجمع و اعتراض زدند.

نیشکر هفت تپه یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است. این کارگران تجربیات درخشانی از اعتراض در برابر تعرضات کارفرمایان و مقامات دولتی به زندگی و معیشتشان را دارند. این کارگران در سال ۸۷ با اعتراضات

خواست مهم آنها جمع شدن بساط دوربین های نصب شده، خروج نیروی انتظامی و پایان دادن به فضای امنیتی در کارخانه است. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعاً حمایت کنیم.

اسماعیل عابدی به زندان اوین بازگردانده شد

روز ۱۶ خرداد اسماعیل عابدی از رهبران اعتراضات معلمان که با اتهاماتی امنیتی شش سال حکم دارد، بعد از دو روز بستری بودن در بیمارستان خمینی به زندان بازگردانده شد. اسماعیل عابدی از دهم اردیبهشت در اعتراض به حکم خود و با خواست بسته شدن احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض دست به اعتصاب غذا زده بود و روز ۱۳ خرداد برای انجام آزمایشات پزشکی به بیمارستان خمینی تهران منتقل شد. فعالین کارگری و معلمان با رفتن به ملاقات او همبستگی خود را با وی و خواستهایش اعلام کردند.

کانون صنفی معلمان طی اطلاعیه ای در مورد آخرین وضعیت اسماعیل عابدی از نشست هیأتی مرکب از مادر عابدی، وکیل او و دو عضو هیأت مدیره کانون تهران به نمایندگی از اسماعیل عابدی با حاجی مرادی (دادیار ناظر بر زندان) چنین گزارش میدهد: از آن جا که تلقی هیأت مدیره کانون، جناب عابدی و خانواده گرامی ایشان از گزارش هیأت مذکور به پشتوانه اعلام نظر



دادرار محترم ناظر زندان، مثبت بوده است، مقرر شد اسماعیل عابدی به درخواست کانون صنفی معلمان و خانواده، به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد". کانون با گزارش این خبر اعلام کرد که حق پیگیری خواسته های عابدی را برای او معلمان محفوظ دانسته و در انتظار انتشار اخبار مثبت از جانب مسئولان مربوطه طی چند روز آینده خواهد بود. اسماعیل عابدی سال گذشته همراه با جعفر عظیم زاده عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض با خواست آزادی اسماعیل عابدی، آتنا دائمی و تمامی فعالین سیاسی ادامه دارد. با تمام قدرت از این کارزار حمایت کنیم. به بازگرداندن عابدی به زندان وسیعاً اعتراض کنیم. *

دادرار محترم ناظر زندان، مثبت بوده است، مقرر شد اسماعیل عابدی به درخواست کانون صنفی معلمان و خانواده، به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد". کانون با گزارش این خبر اعلام کرد که حق پیگیری خواسته های عابدی را برای او معلمان محفوظ دانسته و در انتظار انتشار اخبار مثبت از جانب مسئولان مربوطه طی چند روز آینده خواهد بود. اسماعیل عابدی سال گذشته همراه با جعفر عظیم زاده عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای به امنیتی کردن مبارزات اعتراض کرده و خواستار بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض شدند. این اعتراض شکل

دو یادداشت

از آرش دشتی

شالی به طعم زحمت زنان

فصل شالیکاری که می آید، کار زنان روستایی صدچندان می شود.

زنان روستانشین، این کارگران خاموش و ارزان علاوه بر زادن و پختن و شستن و خانه داری و بزرگ کردن کودکان و تیمار داری شوهر و پرورش حیوانات خانگی از قبیل مرغ و خروس و اردک و گاو و گوسفند و ده ها کار دیگر هم بر دوش آن هاست که اصلا دیده نمی شود، انگار در قباله ی این زنان نوشته شده است.

این ها، کارهای هر روز و شب زنان روستانشین است. اما در فصل برنجکاری، کارهای پر زحمت نشاکردن و وجین کردن و درو نیز به مشقت های زنان اضافه می شود.

کارهایی که از خروسخوان صبح آغاز می شود و تا بوق سگ ادامه دارد. پاهای تا زانو در گل و لای و سر و گردن در زیر آفتاب سوزان و کمر تا غروب خم. اما این همه ی داستان نیست. زنانی هم هستند که زمین کمی دارند و کارشان زود تمام می شود و یا اصلا زمین برای کشاورزی ندارند. این زنان به خاطر فقر و برای کسب درآمد و تامین هزینه های سرسام آور زندگی مجبورند بروند روی زمین های دیگران کار کنند.

این کارها، فصلی است. در استان های شمالی مانند گیلان و مازندران و گلستان حدودا بیست روز در اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت برای نشای بوته های برنج کار هست و در اوایل تابستان هم یک ده بیست روزی برای وجین علف های هرز و خلاصه، بیست روزی هم در اواخر تابستان و اوایل پاییز که شالی ها را درو می کنند، برای زنان کار هست.

در استان های دیگر نیز زنان در مزارع ذرت و پنبه و در جالیزها کار می کنند. اما کار

این زنان را فوج فوج هر روز از روستایی به روستای دیگر می برند و در مزارع به کار می گمارند و بابت این کار (کاریابی و ترانسپورت روزانه) مبلغی از مزد ناچیز روزانه را بعنوان دستخوش و حق الزحمه از زنان کارگر می گیرند.

جمهوری اسلامی به مشابه نظامی که حامی سرمایه داران است، هیچ برنامه ای برای دفاع از حقوق این بخش از زنان کارگر ندارد. درحالیکه برای حجاب و عفاف و برای سعادت آن دنیای این زنان هم ده ها طرح و تدبیر! اندیشیده است.

تشکیلات جدید برای کنترل حجاب و عفاف

روزنامه ی دولتی خراسان خبر داده است که قرار است از ماه آینده یعنی از تیر ماه ۱۳۹۶ بازرسی در زمینه ی حجاب از ادارات دولتی و خصوصی آغاز شود.

بنا به خبر فوق، بازرسی از حجاب و عفاف کارمندان ادارات دولتی و خصوصی مانند دستگاه های اجرایی، دانشگاه ها و بانک های دولتی و خصوصی توسط نهاد تازه تاسیسی با نام «ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی ...» صورت خواهد گرفت.

داستان از این قرار است که قانون «حقوق شهروندی» که دولت روحانی برای پز دموکراتیک و در حقیقت برای جلوگیری از زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی توسط مردم، وضع شده، ساز و کاری را در وزارت کشور تعیین کرده است. این نهاد جدید «ستاد مرکزی صیانت از حریم امنیت

عمومی و حقوق شهروندی وزارت کشور» نام دارد.

این تشکیلات نو پدید، در سطح استان ها و شهرستانها و شهرها، شعباتی دارد که در حقیقت وظیفه ی شوراها ی امر بمعروف و نهی از منکر و گشت های ارشاد و گروه های «تذکر لسانی» و «موتورسواران و چماقداران قرار است این بار به روشی بوروکراتیک و اداری در سطح ادارات انجام دهند.

هنوز ده روز از مضحکه انتخابات نگذشته که در آن دیدیم که چه در تبلیغات و در ستاد های نامزدها و چه در روز رای گیری زن هایی را می دیدیم که اگر در شرایط غیر انتخاباتی می بود، بسیاری از این زن ها توسط نهاد های حکومتی مورد تذکر و پیگرد و بازداشت قرار می گرفتند، اما بلافاصله دولت روحانی مثل همیشه علیرغم وعده ها و وعید هایش حقوق شهروندی را در قالب نهادهای سرکوبگر به اجرا می گذارد.

اگر در سناریوهای گشت ارشاد و اشکال دیگر سرکوب زنان، گله های موتورسوار و نیروی انتظامی در خیابان ها و پارک ها و اتوبوس ها و سینما ها و فضاهای عمومی، به زنان تعرض و پرونده سازی می کردند، در طرح صیانت! که قرار است از ماه آینده در ادارات اجرا شود، تذکر و درج در پرونده ی پرسنلی و احضار به کمیته های انضباطی و ارباب کارمندان به اخراج از کار ختم خواهد شد.

هنوز از چند و چون اجرای این طرح سرکوبگرانه و ارتجاعی و میزان موفقیت آن چیزی نمی توان گفت اما يك مسأله از پیش

روشن است و آن شکست این طرح مسخره است. حداقل نتیجه ای که از این نیت پلید می توان گرفت این است که طرح های «امنیت اجتماعی!» و «ارتقای امنیت اجتماعی!» و طرح هادی ۳۵ گانه ی دوران احمدی نژاد شکست خورده است. مردم و بویژه زنان، دماغ آن ها را به خاک مالیده اند.

حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی، چنانکه سران جانی رژیم می گویند، اعتقادی نیست. بلکه سیاسی است. وگرنه در محرم و روزهای انتخابات، اجازه نمی دادند زنان آنطور که خودشان دوست دارند از خانه بیرون بیایند.

حجاب، پرچم جمهوری اسلامی است. هرگونه مبارزه با حجاب اجباری رژیم، مبارزه با اصل نظام است. و این را حکومت به خوبی می داند و این همه هزینه و بگير و ببند برای تحمیل حجاب، برای این است که با لغو حجاب، حکومت اسلامی موضوعیت و محلی از وجود ندارد.

به ضرر قاطع می گویم که طرح صیانت از حجاب و عفاف وزارت کشور جمهوری اسلامی قبل از اجرا، شکست خورده است.

این را جنبش پرخروش زنان در سال های اخیر اثبات کرده است.

زنان تصمیم گرفته اند و عزمشان را جزم کرده اند تا پیکر پوسیده ی این نظام عهد عتیق را با همین حجاب هایش تحمیلی به گورستان تاریخ بسپارند. *

زنده باد آزادی،

زنده باد برابری،

فراخوان ما برای اخراج جمهوری اسلامی در سائن اصلی آی ال او توزیع شد

شهلا دانشفر

فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران در اولین روز اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو در روز ۵ ژوئن (۱۵ خرداد)، صد نسخه از اطلاعیه این کمپین با خواست اصلی اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را همراه با پوستری از اسماعیل عیدی و محسن عمرانی، آتنا دائمی و تعدادی از فعالین کارگری و معلمان معترض که با اتهاماتی امنیتی احکام زندان دارند، در میان اعضای هیئت های اتحادیه های کارگری از نقاط مختلف

جهان توزیع کردند و بدینترتیب صدای اعتراض کارگران و مردم ایران علیه حکومت سرکوبگر اسلامی را با خواست اخراج آن از اجلاس منعکس کردند. در دوازدهمین سال متوالی، و علیرغم همه موانعی که سازمان جهانی کار برای حضور فعالین ما در اجلاس سالانه خود ایجاد کرده است، امسال نیز فعالین ما موفق شدند بیانیه کمپین برای آزادی کارگران زندانی را روی میز نمایندگان اتحادیه های کارگری قرار دهند و به سکوت و مماشات آشکار سازمان جهانی کار در قبال

اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و بی حقوقی کارگران و مردم ایران اعتراض کنند.

نکته اصلی بیانیه ما اعلام این نکته اساسی است که جای جمهوری اسلامی، این رژیم سرکوب و جنایت، این رژیم آپارتاید جنسی و زندان و شلاق در سازمان جهان کار نیست، بلکه پشت میز محاکمه است و این رژیم مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی باید از سازمان جهانی کار و از همه نهادهای بین المللی اخراج شود.

در این بیانیه به خواست آزادی معلمان معترض و فعالین

اجتماعی که تحت عناوینی چون اخلال در نظم و امنیت ملی به زندان می افتند از جمله اسماعیل عیدی، آتنا دائمی و سایر زندانیان سیاسی اشاره شده و بر پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات مردم و باطل شدن تمامی احکام زندان صادر شده بر اساس چنین احکامی برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض تاکید شده است. در این بیانیه همچنین به ناامنی محیط های کار از جمله انفجار معدن زمستان یورت و سرکوب کارگرانی که به این شرایط اعتراض میکنند، به شلاق زند کارگران و تهدید دائمی فعالین

کارگری اشاره شده و از نمایندگان سازمان های کارگری خواسته است به سازمان جهانی کار بدلیل مماشات با جمهوری اسلامی و سیاستهای سرکوبگرانه آن علیه کارگران اعتراض کنند، خواهان اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شوند و جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل عیدی، آتنا دائمی و تمامی زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند.

شهلا دانشفر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

کارگران فولاد اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند



برای

- رهایی از فقر فلاکت و استعمار!
- برپایی جامعه ای مدرن و سکولار!
- برقراری حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی!
- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، تشکل و اعتصاب!
- رهایی از سلطه مذهب!
- برابری کامل زن و مرد!
- ایجاد یک زندگی شاد و ایمن برای کودکان!
- خلاصی از اعدام و زندان و شکنجه!
- برقراری بیمه ها و تأمینات اجتماعی برای همه!
- و برای خلاصی از شر حکومت اسلامی و ایجاد یک دنیای بهتر!

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید!**

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: سیامک امجدی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

که کارگران فولاد اهواز در زمستان گذشته ۱۹ روز دست به تجمع زدند و نهایتاً بلافاصله بعد از شرکت تعدادی از خانواده های آنها در تجمع روز ۱۱ اسفند، که حکومت متوجه بالاگرفتن اعتراض شد بخشی از حقوق کارگران را پرداخت کرد. حضور کلیه خانواده های کارگران فولاد در تجمع و راهپیمایی در مرکز شهر به منظور جلب حمایت مردم مهمترین اهرمی است که کارگران در اختیار دارند تا حقوق معوقه خود را از حلقوم حکومت بیرون بکشند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۱۳۹۶، ۸ ژوئن ۲۰۱۷

معاونت فنی گروه ملی با حضور در جمع کارگران اعلام کرد: مدیریت شرکت می گوید کاری از ما ساخته نیست و شما کارگران هم چاره ای ندارید جز اینکه کار و تولید را ادامه دهید و توقع حقوق نداشته باشید! کارگران میگویند «در ماه های اخیر که شرایطی سخت و بحرانی بر ما و خانواده هایمان تحمیل شد، این مسئولان از امتیازات این کارخانه همچون منازل سازمانی، آب و برق مجانی، اتومبیل استیجاری، حق سرویس ایاب و ذهاب، هزینه رایگان بنزین؛ بن رستوران های شهر، بلیط استخر برای خود و خانواده های خود، استفاده از مهمانسراهای شرکت در مسافرت های شخصی و ... برخوردار بوده اند.»

یادآوری این نکته لازم است

روز ۱۷ خرداد تعدادی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز دست به تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان استانداری خوزستان زدند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. حقوق ۴۰۰۰ کارگر این کارخانه از فروردین تا کنون و حق سنوات آنها در شش سال گذشته توسط کارفرما بالا کشیده شده است. این شرکت متعلق به گروه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا بوده که پس از ماجرای اختلاس ۳ هزار میلیاردی و مصادره شرکت های متهم اصلی پرونده دچار مشکل شده و با نظارت قوه قضائیه اداره می شود. کارگران اکنون طرف حساب خود را مستقیماً دولت و قوه قضائیه میدانند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواست های خود به تجمع اعتراضی ادامه خواهند داد.